

کلیدهایی برای رستگاری

جزء هجدهم قرآن کریم که از ابتدای سوره مبارکه مؤمنون آغاز و به آیه ۲۰ سوره مبارکه فرقان ختم می شود در بردارنده آموزه ها و پیامهای روح افزای الهی است که این نوشته تعدادی از آنها را نقل می کند.



کلیدهای رستگاری در دست مومنان

آیات آغازین سوره مبارکه مؤمنون اوصافی از مومنان را برمی شمرد که سبب رستگاری آنان شده است. این اوصاف عبارتند از:

۱. خشوع در نماز: «خشوع» به معنی حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا شده و آثارش در بدن ظاهر می گردد. این تعبیر اشاره به این است که نماز آنها الفاظ و حرکاتی بی روح و فاقد معنی نیست؛ بلکه به هنگام نماز آن چنان حالت توجه به پروردگار در آنها پیدا می شود که از غیر او جدا می گردند و به او می پیوندند؛ چنان غرق حالت تفکر و حضور و راز و نیاز با پروردگار می شوند که لحظات این نماز هر کدام برای آنها درسی است از خودسازی و تربیت انسانی و وسیله ای است برای تهذیب روح و جان (الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ).

۲. رویگردانی از هر گونه لغو و بیهودگی: «لغو» هر گفتار و عملی است که فایده قابل ملاحظه ای نداشته باشد. در واقع مومنان آن چنان ساخته شده اند که نه تنها به اندیشه های باطل و سخنان بی اساس و کارهای بیهوده دست نمی زنند؛ بلکه به تعبیر قرآن از آن رویگردان هم هستند (وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ).

۳. انفاق مالی: زکات در این آیه به معنای زکات معروف نیست که در احکام مطرح است؛ بلکه به معنای انفاق مالی است؛ زیرا این آیات در مکه که هنوز زکات مشهور در آن واجب نشده بود نازل شده است. با این بیان روشن می شود که چرا فرمود: زکات را عمل می کنند و نفرمود: زکات را می دهند. پس معنای آیه این است که: مومنین کسانی هستند که انفاق مالی دارند [۱] (الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ).

محافظة بر نمازها: منظور از این محافظت مراقبت بر ادای نمازها به گونه ای که یکی از آنها فوت نشود (الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يَحْتَفِظُونَ). حق ایمان هم همین است که مومنین را به چنین مراقبتی فرا بخواند

۴. حفظ عفت و پاکدامنی به طور کامل و پرهیز از هر گونه آلودگی جنسی: مومنین، غریزه جنسی خود را به شدت کنترل می کنند (الَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ) و جز در مورد همسر و کنیز که خدا اجازه بهره بردن از آنها را داده است از اعمال آن جلوگیری می کنند (إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ).

۵ و ۶. رعایت عهد و امانت: بر اساس این آیه، حفظ و ادای امانت (به معنی وسیع کلمه) و همچنین پایبند بودن به عهد و پیمان در برابر خالق و خلق از صفات بارز مومنان است (الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ).

در مفهوم وسیع امانت، امانت‌های خدا و پیامبران الهی و همچنین امانت‌های مردم جمع است. نعمت‌های مختلف خدا هر یک امانتی از امانات او هستند. آئین حق، کتب آسمانی، دستور العمل‌های پیشوایان راه حق و همچنین اموال و فرزندان و پست‌ها و مقام‌ها، همه امانت‌های اویند که مومنان در حفظ و ادای حق آنها می کوشند تا در حیاتند از آن پاسداری می کنند و به هنگام ترك دنیا آنها را به نسل‌های برومند آینده خود می سپارند.

۷. محافظت بر نمازها: منظور از این محافظت مراقبت بر ادای نمازها به گونه ای که یکی از آنها فوت نشود [۲] (الذین هم على صلواتهم يحافظون). حق ایمان هم همین است که مؤمنین را به چنین مراقبتی فرا بخواند. [۳]

خواسته ای که هیچگاه اجابت نمی شود آیات ۹۹-۱۰۰ نقل در خواست و پاسخ آن است؛ درخواست برگشت به دنیا از سوی گنهکاران (ربّ ارْجِعْون) برای جبران ما فات (لَعَلَّیْ أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ)، تقاضایی است که با هرگز! (كَلَّا) مواجه می شود. یعنی بازگشت به دنیا و جبران گذشته ممکن نیست که رخ دهد؛ زیرا قانون آفرینش چنین اجازه بازگشتی را به هیچکس، نه نیکوکار و نه بدکار، نمی دهد. [۴]

گذشته از آن این درخواست از سوی کسانی است که عمری در دنیا زیستند و بد کردند و خداوند تا پایان عمر به آنها فرصت بازگشت و اصلاح داد و اینها اعتنا نکردند. واضح است درخواست امروزشان از سر ترس است و واقعیت درونی ندارد و اگر به دنیا برگردند باز همان آش است و همان کاسه (لَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ اگر به دنیا برگردند، باز به همان کارهایی که از آن نهی شده بودند بر می گردند و بی تردید آنها دروغگویند) [۵]. برای همین در اینجا می فرماید: تقاضای اینها سخنی بیش نیست (حرفی است که می زنند) (إِنَّهَا لَكَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا).

هر دلسوزی و ترحمی ممدوح و شایسته نیست. ترحمی پسندیده است که مانع ظلم ظالم شود؛ نه ترحمی که سبب شود دست ظالم باز بماند و بیش از پیش به مظلومان و اقشار ضعیف حمله ور شود. در بینش اسلامی چنین ترحمی که سبب ترویج گناه و جنایت می شود ممرقع است

برخورد خداوند با کسانی که دینداران را به تمسخر می گیرند آیات ۱۰۵ به بعد نقل گفتگوی کسانی است که در دنیا نه تنها خود ایمان نیاوردند؛ بلکه مؤمنان را برای دینداریشان مورد تمسخر قرار دادند.

در آیه ۱۰۷ یکی از درخواستهای آنها نقل شده است: پروردگارا! ما را از این آتش بیرون ببر (رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا) که بر اساس آیات ۹۹-۱۰۰ کنایه از این است که ما را به دنیا باز گردان تا عمل صالح انجام دهیم.

بعد ادامه می دهند: اگر دوباره به روش گذشته بازگشتیم و کارهای سابق را تکرار کردیم ما قطعاً ستمکاریم (فَإِنْ عُدْنَا فَنَاطِقِ الظَّالِمُونَ) و شایسته عفو تو نخواهیم بود.

پاسخی که از خدا می شنوند این است: اِحْسُوا فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُون

المیزان در معنای «اِحْسُوا» به نقل از مفردات راغب می نویسد: حَسَأَتْ الْكَلْبُ فِخْصًا؛ معنایش این است که سگ را از روی اهانت چخ کردم، رفت و در گوشه ای نشست و عرب وقتی می خواهد به سگ بگوید: چخ، می گوید: اِحْسَأ. [۶]

بنابر این معنا پاسخی که خداوند به اینها می دهد چنین می شود: دور شوید و هم چنان در دوزخ بمانید؛ خاموش شوید و با من حرف نزنید.

آنگاه دلیل این برخورد سراسر توهین را در آیات بعد (۱۰۹-۱۱۰) بیان می کند. می فرماید: فراموش کرده اید گروهی از بندگان خاص من می گفتند: پروردگارا ما ایمان آوردیم، ما را بیخوش! بر ما رحم کن! و تو بهترین رحم کنندگانی؛ ولی شما آنها را به باد مسخره گرفتید (فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا) و آن قدر در این کار اصرار کردید که استهزا کردن آنها، شما را به کلی از یاد من غافل کرد (حَتَّى أَنْسَوَكُمْ ذِكْرِي). شما پیوسته به آنها می خندیدید (كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضَحِكُونَ) و بر سخنان و عقائد و رفتار و کردارشان پوزخند می زدید. امروز به آنها برای آن صبر و استقامت و پامردی در مقابل آن همه استهزا پاداش دادم (إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُونَ).

رویکردانی از هر گونه لغو و بیهودگی: «لغو» هر گفتار و عملی است که فایده قابل ملاحظه ای نداشته باشد. در واقع مؤمنان آن چنان ساخته شده اند که نه تنها به اندیشه های باطل و سخنان بی اساس و کارهای بیهوده دست نمی زنند؛ بلکه به تعبیر قرآن از آن رویگردان هم هستند

و اما شما! امروز در بدترین حالات و دردناکترین عذاب گرفتارید و کسی به فریادتان نخواهد رسید و باید هم چنین باشید چون شما مستحق این کیفرید.

دلسوزی در اقامه حدود و اجرای قانونهای الهی؛ ممنوع برخی متاثر از تبلیغات فریبده رسانه های بیگانه که اسلام ستیزی برخی از آنها بر کسی پوشیده نیست اجرای مجازاتهای اسلام را مخالف روح و رحمت انسانی دانسته و با دلسوزی هایی که از خود نشان می دهند مانع اجرای احکام و قوانین مجازات اسلامی می شوند.

در این باره ذکر دو نکته ضروری به نظر می رسد:

۱. قرآن کریم در آیه ۲ سوره مبارکه نور با صراحت از چنین دلسوزی هایی نهی می کند: اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید هرگز نباید در اجرای این حد الهی گرفتار رفت (دلسوزی بیجا) شوید (وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ).

۲. هر دلسوزی و ترحمی ممدوح و شایسته نیست. ترحمی پسندیده است که مانع ظلم ظالم شود؛ نه ترحمی که سبب شود دست ظالم باز بماند و بیش از پیش به مظلومان و اقشار ضعیف حمله ور شود. در بینش اسلامی چنین ترحمی که سبب ترویج گناه و جنایت می شود ممنوع است.

جالب است که این دلسوزی را کسانی در بوق می کنند و برای دفاع از جنایتکاران به احکام الهی اسلام حمله ور می شوند که خود در قتل عام بیگناهان عالم سابقه طولانی و پرونده ای سنگین دارند و جالبتر اینکه بر خلق چنین فجایع انسانی هم افتخار می کنند. و این به واقع از عجایب روزگار ماست که عده ای دسته دسته انسان بی گناه را خون می ریزند و بدن می سوزانند و مستانه می خندند؛ آنگاه بر اعدام یک جانی جنایتکار اشک دلسوزی و ترحم می ریزند !!

پی نوشت:

۱. میزان فی تفسیر القرآن ۱۰/۱۵

۲. میزان فی تفسیر القرآن ۱۱/۱۵

۳. رک به تفسیر نمونه ۱۴/۱۹۴-۲۰۲

۴. تفسیر نمونه ۱۴/۳۱۱

۵. انعام ۲۸/

۶. میزان فی تفسیر القرآن ۷۱/۱۵